

مشی انقلابی در دانشگاه پکن

هرچه بیشتر دیکتاتوری پرتاریا، برای سواره بخاطر رشد سریع تولید است. دانشگاهیان نیز باید از میان کارگران و دهقانان که سابقه فعالیت علمی دارند برگزیده شوند.

پیش از انقلاب کبیر فرهنگی، موسسات آموزشی عالی زیر نفوذ مشی روینونیستی لوشائونگی قرار داشتند، مشی ای که به ایجاد یک قشر زنده بورژوازی من انجامید، یک آریستوکراسی روشنفکری، جد او برید مازسیاست پرتوری، از کار تولیدی از کارگران و دهقانان.

در گذشته سیستم آموزشی دارای دو انحراف بود.

تخت انحراف از خط مشی طبقاتی صاحبان کشور یعنی کارگران و دهقانان ثروتمند مادی و معنوی می آفریدند، معذرت لک بسیاری از آنها همچنین فرزند ان آنها در آموزش عالی جانی برای خود نمی یافتند، دیگر انحراف از خط مشی در زمینه معرفت، معرفت انسان از پراتیک اجتماعی بیرون میاید اما در موسسات آموزش سابق، برنامه آموزش بریده از پراتیک اجتماعی یعنی بریده از مبارزه طبقاتی، مبارزه بخاطر تولید و پرداختن به تجزیات علمی بود. در نتیجه تفسیری با پراتیک اجتماعی درسی آبیخت و بویژه مبارزه طبقاتی علیه مشی روینونیستی ضد انقلابی بخاطر تحکیم دیکتاتوری پر-لناریا بدست فراموشی سپرده میشد.

انقلاب کبیر فرهنگی، ستاد بورژوازی را که لیشائونگی در راس آن قرار داشت منهدم ساخته و از ۱۹۶۷، طبقه کارگر و دهقانان فقیر و نیمه فقیر بدعت آوزگار پیشروای خود به موسسات آموزشی راه یافتند، مشی روینونیستی در آموزش مورد انتقاد قرار گرفت. از آنزمان پایه و سلطه مشی بورژوازی در موسسات آموزشی فرو ریخت و دوره جدیدی در انقلاب پرتوری در آموزش آغاز گردید.

رفیق مائوتسه در ۲۱ ژوئیه ۱۹۶۸ اعلام کرد که برای دانشگاهها، دانشگاهیان باید از کارگران و دهقانان که دارای تجارب عملی هستند انتخاب شوند. بقیه رصده ۲

با انقلاب اکتبر ۱۹۴۹ سرنوشت خلق چین دگرگون گردید. کشور چین مرحله جدیدی از تاریخ خود گام نهاد. اکنون ۲۵ سال از حیات جمهوری نوپای چین میگذرد، ۲۵ سال مبارزه با دشمنان داخلی و خارجی بخاطر تحکیم دیکتاتوری پرتاریا و بنای جامعه سوسیالیستی، ۲۵ سال پیروزیهای عظیم در زمینههای سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، علمی و فنی.

طبقه کارگر چین تحت رهبری رفیق مائوتسه دون و حزب کمونیست چین، پس از دوران مبارزه انقلابی طولانی و قدرت را بدست آورد و دیکتاتوری خود را مستقر کرد. اما دیکتاتوری پرتاریا پایان انقلاب نیست، ادامه انقلاب است، پایان مبارزه طبقاتی نیست، ادامه آنست. این موضوعی است که طبقه کارگر چین از آموزگار بزرگ خود رفیق مائوتسه دون آموخته و طی سالهای انقلاب فرهنگی و اخیراً جنبش انتقاد علیه پاتر و کتوسیسور در عمل بد ان پی برده است. جامعه سوسیالیستی دوران تاریخی نسبتاً طولانی را در بر میگردد که در جریان آن طبقات و تضاد های طبقاتی، مبارزه طبقاتی و نیز مبارزه میان را و سوسیالیستی و سرمایه داری و در عین حال خطرناک-گت سرمایه داری همچنان ادامه مییابد. (مائوتسه دون)

از این دوره طبقه کارگر همواره در زور است که مشی پرتوری را در تمام شئون جامعه پیروز گرداند. و راه را بر مشی روینونیستی که فرجام آن بازگشت نظام کهنه است، به بندد.

آموزش دانشگاهی یکی از حلقههایی است که مشی پرتوری باید در آن عمیقاً رسوخ کند و تسلط یابد. آموزش خصلت طبقاتی دارد. مسئله اساسی در اینست که آموزش برای چیست، بسود چه طبقاتی است، برای کدام طبقه جانشین پرورش میدهد. آموزش انقلابی باید دانشگاهیان را برای مبارزه طبقاتی پرتاریا پرورش دهد. برای مبارزه علیه بورژوازی که همیشه بازگشت را در خود زنده نگاه میدارد. و بخاطر بازگشت نظام کهنه پرورسته به تلاش و کوشش پرورشی، برای مبارزه بخاطر تحکیم



واقعیت «استقلال» ایران

کشاورزی ایران بصورت مشکل لاینحلی درآمده است و جز این هم انتظاری تعریف. چند سال پیش کمبود تولید کشاورزی را ناشی از آن وانمود میساختند که اصلاحات ارضی، گویا نظام کهنه تولید را برانداخته در حالی که نظام جدید هنوز کاملاً مستقر نگردیده است و بنابراین کاهش تولید کشاورزی بزودی بر طرف میشود و مشی ایران در آینده نزدیک بصورت یکی از صادرکنندگان گندم درخواهد آمد. اما با گذشت زمان نفعتهای مشکل کشاورزی حل نمیشد بلکه روز بروز بر وخامت آن افزود و ایران بجای صادرکننده گندم، واردکننده انواع و اقسام محصولات کشاورزی گردید. اکنون فرآوردههای زراعی و دامی کشور ما بهیچوجه کفایت احتیاجات مردم را نمیدهد، گوشت نیست، گندم نیست، تخم مرغ نیست، پنیر نیست، میوه نیست، قند و شکر نیست، ... این کمبود مواد خوراکی نه بعلت بالا رفتن مصرف مردم است، مردم با درآوردن ناچیزی که دارند، قدرت خریدی برایشان باقی نمانده، بلکه بعلت انحطاط کشاورزی است. حافا به اینکه بهترین و حاصلخیزترین زمینها در دست سرمایههای خارجی است که بخاطر صد و بیخارج تولید میکنند.

در برنامه پنجساله آینده در نظر گرفته شده که کشاورزی سالانه رشد برابر ۵/۰ درصد داشته باشد، چیزی که در زمره صعالات است. اما بفرقی آنکه چنین رشدی تأمین شود بازهی در پایان برنامه بنا بر افتراضات نامتعارف فقط نمی از احتیاجات کشور تأمین خواهد شد و نیی دیگر باید از خارج وارد شود.

وزیر کشاورزی و منابع طبیعی طی سخنرانی خود در کانون مهندسان نفتاوضع کشاورزی ایران را تشریح کرده و این نتیجه رسید که در شرایط حاضر استقلال ایران غیر ممکن است، او پس از توضیح این امر که رشد سالانه ۵/۰ درصد فقط نیی از احتیاجات کشور را برخواهد آورد و «کشور با کمبودی در همین حدود روبرو خواهد شد» از لحاظ سیاسی حتی نتیجه گرفت: «کشوری که نیی از خوراکش از خارج مییاید چگونه میتواند استقلال داشته باشد. اگر ایران نتواند حداقل ۸۰ درصد خوراک و مواد اولیه خود را خود تولید کند تابع تصمیمهای دنیائی خواهد شد» واضح تر از این نمیتوان به عدم استقلال کشور اعتراض کرد.

آموزش کشور ما برای پیش از نیی از محصولات غذایی خود نیازمند خارج است و بگفته تهران اکثریست «احتیاج مایه خارج برای تأمین نیازمند بهای کشاورزی مان روز بورژوازیتر میشود» و بنابراین مطابق اعتراف صریح وزیر کشاورزی، کشور ما از استقلال برخوردار نیست.

وزیر شاه حتی برای تأمین کمبود مواد غذایی دورنمای تاریکی را ترسیم کرد و گفت «چنین کمبود بزرگی را اگر حتمی اعتبار هم وجود داشته باشد نمیتوان به آسانی در بازارهای خارج دریافت کرد زیرا ... قیمت ها قابل پیش بینی نیست. امسال ایران حدود یک میلیون تن گندم نیاز داشت و ۳۰۰ هزار تن جو و ذرت، گندم را در آخرین معاملات تا تاریخ ۲۴۸ دلار خریدیم که چهار برابر قیمت های سال گذشته است. ... علاوه بر این تجهیزات بنادر برای تعویب کالاهای مختلف کشاورزی و تأمین وسائل حمل و نقل دریائی میلیارد ها خرج دارد که به آسانی و در زمان کوتاه امکان نخواهد داشت.

بدین ترتیب تکلیف معین است. امپریالیست هادرها مشکلات را چهارطاقی بیوی ما کشود مانند بطوری که در آینده نیز مانند حال باید همچنان بقیه رصده ۲

سیمای «انقلابی» رفورمیست ها

بخود وابسته سازد و آنگاه کشور براه رشد «غیر سرمایه داری» می افوتد که فرجام آن سوسیالیسم است. این راه رسیدن به سوسیالیسم هیچ قربانی نمیدهد، خوبی هم جاری نمیشود. مگر نه اینست که بنا بر لنین کشورهای مختلف از راه های مختلف به سوسیالیسم دست می یابند؟ این سادهترین راه است.

بدیهی است چنانچه با نفوذ و سلطه شوروی، صرف نظر از ماهیت دولت بتوان به سوسیالیسم ناقل آمد، چنانچه برای انقلاب به حزب طبقه کارگر و برای ساختمان سوسیالیسم به دیکتاتوری پرتاریا نیازی نباشد، دیگر حزب کمونیست مذهبوی پیدا نمیکند. در چنین کورهائی به احزاب رفیکر نیست توصیه میشود که حزب را منحل ساخته و در سلك حزب رژیم حاکم در آیند. بنا بر همین توصیه بود که حزب کمونیست الجزیره خود را منحل اعلام کرد. روینونیست های حزب توده ایران موقعی بر آن بودند سازمانهای خود را در «جبهه ملی» تحلیل برند. اکنون حزب «کونیست» عراق نیز در شرف انجام همین توصیه است.

اما هرگاه زمامداران دولت دست بعلمی از شوروی روی گردانند و دیگر زیر بار تحمیلات بیجای آن نروند، فورا روینونیست ها حملات خود را به همین زوا عداران که تساهل و بیرون را میستوند، آغاز میکنند. انور سادات رئیس جمهور مصر و تا زمانی که دست نیاز بسی شوروی داشت و شوروی در مصر با برجا بوده چه ستایشها که از وی نکردند. اما اکنون که روابط مصر و شوروی به تیرگی گرافیده و سادات «رهائی» خود را از سر صیو نیم در جلب امپریالیسم امریکا و نزدیکی به آن مجوید، روینونیست ها صدای خود را طبله او بلند کرده اند. تا دیروز دولت لیبی که از شوروی بنسجام سوسیال امپریالیسم و بر قدرت یاد میکرد در زمره مترجمترین دول روی زمین بشمار میآمد، بقیه رصده ۲

روینونیست های حزب توده ایران تابعی از متفسیر اتحاد شوروی اند، مشی و سیاست آنها تابع مشی و سیاست اتحاد شوروی در این است. نقطه انجمن و آران جمله و ایران است. آنها ملکی است برنامه شسته و آراستهای هزاره دهند ولی چنانچه این برنامه در زمانی و در جایی با سیاست خارجی شوروی نتواند آن را بدست فراموشی می سپارند. هر جا که سوسیال امپریالیسم شوروی نفوذ کند و نفوذ خود را با توسل به نیزنگهای گوناگون توسعه دهد در آنجا حکومت رنگی «ملی» پیدا میکند و «تحرق» میشود. در چنین کورهائی دولت میتواند از امتصایات کارگران بخاطر بهبود زندگی طاقت فرسا جلوگیری و پروری آنها نتواند ازی کند و آنها را به قسطل برساند. و همرا کارگران را در دهه ده صد هزندان بفرستد چنانکه اکنون در هند میگذرد. اما روینونیست ها گوش چشم خود را بر این واقعیت بستند، گویا طبقه کارگر در این کشورها دیگر شایسته نیست که از منافع وی دفاع شود. روینونیست ها نه تنها سیاستشان بر محور سیاست اتحاد شوروی میگردد، بلکه سیاست کورهائی زیر نفوذ شوروی را نیز با همیسن ملای ارزیابی میکنند.

روینونیست ها از استقلال ملی سخن میروانند و خود را از مدافعین پر افرص آن میخوانند و ولی استقلال در قواموس آنها یعنی پذیرفتن سلطه امپریالیسم شوروی است، آنها در واقع میخواهند استعلا امپریالیسم امریکا را با استقلال امپریالیسم شوروی جانشین سازند. آنها یک هدف اساسی دارند و آن گسترش نفوذ دولت شوروی در ایران و گویه کورهها جپان است، این راه آنها است برای رسیدن به سوسیالیسم در مجایس جهانی.

روینونیست ها بر آنند که ماهیت دولت هرچه بلند و باید کشید که دولت شوروی از لحاظ اقتصادی و سیاسی در کشور پایه بگیرد و نفوذ خود را بگستراند و دولت و کشور را

یاری رسان، نیروی توفان را

مرگ بر رژیم تجاوزکار محمد رضا شاه!

شی انقلابی... بقیه از صفحه ۱
آموزش به پراتیک تولید باز خواهند گشت. این تدبیر رفیق مائو امکان داد که جهت سیاسی موسسات آموزشی و طرز اداره این موسسات از بیخ و بن دگرگون شود. موسسات آموزشی بدر انطباق با خط مشی حزب و به مراکز مهمی برای آموزش ادامه دهندگان آریان انقلابی برلناریا تبدیل گردید.

در ۱۹۷۰ دانشگاه یکن برای آغاز کار در حدود ۲۳۰ نامزد از میان کارگران و دهقانان و سربازان که دارای تجارب عینی بودند انتخاب کرد که سه سال بعد پس از پایان تحصیلات به سرکارهای خود بازگشتند. دانشگاه یکن به دانشگاه سوسیالیستی طراز نوین به آموزش این دانشجویان پرداخت. آموزش که از آنها "هم سخن و هم متخصص" بهر آرد. لیستی دانشجویان کارگرم و دهقان و سرباز در دانشگاه سوسیالیستی یکن مارکسیسم را فراگرفتند نه برای آنکه احکام آنها بخاطر بسیاری بلکه برای آنکه آنها در مبارزه طبقاتی روزمره و در مبارزه با مشی رولینویستی و بخاطر پیروزی مشی رولینویستی بکاربندند. چین را پیوسته "سخ" نگاه دارند.

دانشجویان شعب علوم انسانی به جامعه مستطاب و کارخانه خود نگریستند. هر سال چند ماه از دوران تحصیلی خود را در کارخانهها در میان کارگران و در دهات در میان دهقانان گذراندند. آموزش خود را با مبارزه واقعی درآمیختند و به این شیوه پایان دادند که خود را در چهارپایه یار اطاق محصور سازند و مطالعه کتب ببرد ازنده و شیوههای که دانشجویان شعب علوم انسانی در گذشته به آن عادت داشتند. این شیوه آموزش درآمیختن تئوری با پراتیک به دانشجویان امکان داد که طی تحصیلات خود درت خود را در تحلیل مسائل محل آنها افزایش دهند.

در مورد شعب مختلف علوم نیز وضع براین متوال بود. به علاوه برای آزمون و تفنی ساختن معلوماتی که ظرف سه سال کسب کرده بودند در پایان آزمایشی را از سر گذراندند. باین شکل که بر اساس یک رشته مطالعات آموزگاران و دانشجو شعب مختلف علوم و صدها موضوع برای تحقیق انتخاب کردند. موضوعاتی که بایستی در تولید از طریق تحقیقات علمی برای آنها راه حل فوری بدست میآمد. تحقیق در باره این مسائل و یافتن راه حل آنها به دانشجویان واگذار گردید که همه با موفقیت انجام گرفت.

آموزش دانشگاهی کارگران و دهقانان و سربازان آموزش درهای باز "انقلاب عینی در آموزش است و بهین علمت برای پیروزی و دشمن انقلاب و نگرانی آفر است. کسانی که به افکار کهنه سنی چسبیده اند نسبت به این طرز آموزش دانشگاهی ابراز بدبینی میکنند. افرادی هیاهات میزنند که بعد از دانشجویان کارگر و دهقان و سرباز را با اعتبار میسازند. افرادی نیز بخاطر بازگشت به سیستم آموزشی قدیم به این اتهام دست میزنند که گویا سطح فرهنگی دانشجویانی که بر طبق سیستم جدید آموزش می بینند پایین خود اهد آمد. البته دانشگاه سوسیالیستی باید در شعب مختلف آموزشی معلومات کاملی در اختیار دانشجویان بگذارد اما قبل از هر چیز باید مراقب بود که آنها در مبارزه طبقاتی کموضع اساسی مطالعه است شرکت جویند و در عین انتقال به تحصیل در مبارزه بخاطر تغییر جهان و آفرینش توغافل ننهند و در جریان این مبارزات از کلیه امکانات برای تغییر جهان ذهنی خود استفاده کنند. سه سال تجربه دوره اول دانشجویان کارگری و دهقانی و سربازی نشان داد که معلومات این دانشجویان هر یک در شعبه های که در آن تخصص یافتند نسبت کامل بود چیزی که در تصور دانشجویان سابق که فقط بسه معلومات کتابی میبرد آخند نمی گنجد.

البته در نظر پیروزی کیفیت عالی آموزش یعنی راندن دانشجویان است به اینکه در کتاب قوروند و فرمولها و تمارین را از بر کنند و از اصل وحدت تئوری و پراتیک منحرف گردند و بیشتر اینکه به جهت و سطح آگاهی سیاسی و مشی سیاسی دانشجویان توجهی نشود. اما از نظر برلناریا چنین کیفیتی به هیچ وجه مطلوب نیست. دانشگاه سوسیالیستی یکن اکنون آن مرکزی است که در آن ادامه دهندگان آریانه های انقلابی برلناریا پرورش مییابند.

طبقه کارگر چین امروز جامعه زد و میزند و تولید را به

سیاهی... بقیه از صفحه ۱
اما امروز که این دولت با شوروی از مغازه درآجده در نزد رولینویست ها مقام و منزلتی یافته و در صورتیکه مناسبات آن با شوروی بسط یابد و یک قسرا و "هنگاری" پانزده ساله منعقد گردد تا درجه دولت "مترقی" که راه رشد "غیر سرمایه داری" در پیش گرفته اترقا مییابد.

چون روابط کشورها با دولت شوروی دستخوش فشار و تشبیه ها است. سیاست رولینویست ها نیز پیوسته دستخوش تناقض گویی ها میشود. آنها در اینکه امروز شاه و دولت ایران را بعزت نزدیکی با شوروی مستقل و متروقی بخوانند و فردا همین هاراکاز شوروی دوری گنبد فاند. دست نشانده و زاندا امپریالیسم و هژود را راه رشد سرمایه داری بنامند خم هم به ابرو نمیآورند. ملاک آنها برای تشخیص ماهیت شاه و دولت آن است که سیاست آنها در داخل و در صحنه بین المللی و نه ماهیت طبقاتی آنها بلکه روش آنها در قبال اتحاد شوروی است بخاطر بیایرید. تازمانی که خروشچف بر شاه ایران غضب کرده بود و بر آن بود که نیروی خلقی ایران شاه و سلطنت وی را سرنگون خواهد کرد. نه تنها را در بمسکو. نه تنها "صدای ملی" و "پیک ایران" بر شاه میآخند بلکه نشریات آنها سرشار از هجوم بر رژیم شاه و خود شاه بود. اما همینکه خروشچف به انشای یافت و پا شاه از در سازش درآید و همین که خروشچف پیغام فرستاد که "شمارا بخدا" شاه حمله نکند! "توری بیکاره برکتست. حملات پشاه موقوف گردید و از فرمهای شاهان روسی مثبت بعمل آمد. قیام قهرمانان مردم در ۱ خرداد ۴۲ به این عنوان که برانگیخته روحانی و قدرت الهی مرتجع است محکوم گردید. سیاست نفی شاه مبر پشتیبانی قرار گرفت و انفعال قرار داد هنگاری "پانزده ساله" که به نفی شوروی در ایران میدان داد و بتدریج راه رشد "غیر سرمایه داری" را در کشور ما هوار میکرد.

جریان مدتی براین متوال گذشت. اما سیاست بسی- پروا و گستاخانه شوروی در شبه قاره هند که به تجزیه پاکستان منجر گردید و ادامه این سیاست "مورد بلوچستان و رود ناگان شوروی به آقیانوس هند" کوشش برای نفوذ در منطقه خلیج فارس و... شاه مدافع منافع امپریالیسم امریکا را علیه شوروی برانگیخت و به واگش واداشت. خبرنگار بود اس. نیوزاند- ورلد ریپورت در ارتباط با جنگ قهرمانان خلق طغران شاه می پرسد: آیا مناسبات شما با شوروی حسنه نیست؟ "شاه میگوید: چرا. البته ما در سطح عادی مناسبات خوبی داریم اما چنین چیزهایی در دنیای واقعی در سطوح مختلف جریان مییابد. شما در امریکا در یک سطح بدندان کاهش کشر خود با روسیه و اتحاد قرار داد "حالت" هستید. در حالی که در سطح دیگر شاهد تعالیت روشها علیه خود می- بائید. شما فکر میکنید ما بنویه خود بیکار نشستیم؟ ما در عمان و در جاهای دیگر واگش نشان میدهم. سؤال دیگر: شما بتازگی از بدار کشتی هواپیما برکتی ها فوک در خلیج- فارس بازگشته اید آیا فکر نمیکنید امریکا باید در دریای عمان دارای نیروی نظامی باشد؟ پاسخ شاه: آری. من فکر نمیکنم که یکطرف میتواند صلح جو باشد در حالی که طرف دیگر چنین نیست. ما ام که بحریه روسیه در خلیج حضور نیرومند دارد من خوشحالم که شما نیز حضور دارید.

روشن است که این واگش شاه همراه با تقصیر نیروی نظامی ایران مورد پسند تزارهای کرمان نیست. اتحاد شوروی در عین اینکه در نطق های زمامداران خود با گفتارگان

واقعیت... بقیه از صفحه ۱
استقلال کشور بخاطر خرید مواد غذایی به بهانه های سرسام آور و حمل و نقل آن بهای بیگانگان قربانی کرد. تا رژیم شاه برجاست سخنی هم از استقلال نمیخواند به بیان آید. اما وزیر شاه بهر قیستی شده میخواست لاف در آینده برای ایران استقلال دست و پا کند. از اینرو راه حل نشان میدهند و آن اینکه "در چند سال آینده برای پاسخ گفتن به نیازهای روز افزون کشور... باید رشد بخش کشاورزی به حدود سالانه ده درصد برسد."

البته برای وزیر شاه آسان است از پشت میز خطابه رشد کشاورزی ایران را بیکبار از رقم ۵/۰ تا ده درصد بالا ببرد. اما این وعده آنقدر توخالی و دور از واقعیت است که حتی محله تهران اگر نویست نیز فهمیده است: "و اما کسانی که نسبت رشد کشاورزی ما را در گذشته تعصیب آند و در سایر کشورهای نیز دیده اند یا شنیده اند حد اندک گردیدند. بنیچین بر شدی اگر غیر- ممکن نباشد لاف بسیار شواراست" (شماره ۲۲۰، مورخ ۲۲ آذر) و رواقع هم همه کس میداند که رشد سالانه ده درصد برای کشاورزی ایران خواب و خیال است و لذا درآینده نیز باید لاف تپی از محصولات کشاورزی مورد نیاز کشور را از خارج تامین کرد و "کشوری که نیی از خوراکن از خارج میاید چگونه میتواند استقلال داشته باشد."

چه حیوان گفت در حال حاضر که نقشه یاروغذائی بلکه کالا های صنعتی را نیز باید از خارج وارد کرد. بنابراین کشوری که همه اقتصادش در دست امپریالیست ها است ممکن نیست از استقلال برخوردار باشد.

راد یو مسکو در برده به این واگش اشاره میکند. در ظاهر مناسبات دوستانه خود را با شاه ایران همچنان حفظ میکند. اما در عرض دست رولینویست های ایران را در حمله به شاه و دولت باز میکند. رولینویست ها که تا دیروز خلق را به رفورهای شاه امیدوار می ساختند. با تکیه بر جنبه های مثبت سیاست شاه و دولت به انتقاد از نواقص این سیاست می پردازند تا شاه را به "عقب نشینی" های بیشتری وادارند و اکنون به یکبار قیامه انقلابی بخود گرفته اند و به حملات مستقیم علیه شاه و دولت وی می پردازند و به کارگران ندا در میدهند که تا رژیم شاه بر جاست. آنها روی آزادی و رفاه نخواهند دید. برای رولینویست ها باز دیگر فرصت مناسبی پیش آمده تا با زهم افکار عمومی را بسود خویش فریب دهند و شاید آرت برفته راه جوی بازگردانند. آنها که در گذشته (پس از سقوط در رولینویست) از انتصاب خود به طبقه کارگر بیبداشتند. و رهبری انقلاب را با صراحت وی برده از آن پیروزی ملی میسر شدند. اکنون چه راست خود را حزب طبقه کارگر میخوانند و از رهبری این طبقه در انقلاب سخن میگویند و عجب آنکه شاه و تبلیغات روسی کشور نیز با دادن عنوان کمونیست به آنها به فریبکاری آنها بسیاری میروسانند.

نباید فراموش کرد که رولینویست ها در نقی که اکنون بر عهده گرفته اند از امکانات عظیمی برخوردارند و تمام قدرت مادی و معنوی شوروی مانند همیشه در پشت سر آنهاست. آیا رفتن آن نرسیده است که سازمان های خارج از کشور به کنش های زبان بخش گنجز تصحیف نیروهای انقلابی و تقویت دشمنان شوهی ندارند. پایان دهند و نیرو های خود را علیه دشمنان درهم آمیزند؟

نشریات جدید سازمان توفان
شش سال انقلاب مشروطه ایران
بم رفیق فقیه با احمد قاسمی
آنا رشیسم یا سوسیالیسم؟
از استالین
سه رساله از لنین
تجدید چاپ شده است

پیش میراند. کارگران چین به رسالت تاریخی خود آگاهی دارند و این آگاهی را از سخنان کارگر چینی می توان بخوبی دریافت. "ما سابقا کار میکردیم برای آنکه زنده بمانیم امروز کار میکنیم برای آنکه انقلاب کنیم. ما به سراسر کشور و همه جهان می اندیشیم و نه فقط به خانواده خود و کارخانه خود. ما افق دید خود را تا آینده های دور تا چند دهه و حتی چند صد سال توسعه میدهم ما فقط به آنچه که از نون در باغ دورتر نیروود قناعت نمیوریم. بر روش های ماگدشته از وظیفه انجام نقشه تولیدی و رسالت تاریخی بزرگ مردم مستشارانسان از انسان سنگینی میکند."

با چنین آگاهی از رسالت تاریخی خود است که هر لتاریخی چین پیروزیهای درخشان آینده را ترسیم میکند.

دو پیرامون... بقیه‌ازصفحه) همکاران خود که اکنون در زند آنها بسر می‌برند بپیوندند. بسیاری از آنها که خیال مقاومت به سرشان زده بود، با دستهای خنق به مجازات رسیدند. وقتی یکی از آنها برای نجات خود بسوی خلسق تیراندازی کرد و موجب قتل یک زن و کودک گریزید چند لحظه بعد از او جسد بیجان بر جای ماند.

برخی از زندانیان سیاسی که توسط مأموران مزبور شکنجه می‌بودند و چهره‌های کثیف آنها را بخوبی می‌شناختند در روزه قهرمانان رکورد شکن ورزش فوق درآمده و در بسیاری موارد با نیرسی بازپرسان سابق خود را برعهده گرفتند. در اولین روزهای کودتا در کارخانه‌ها، موسسات، مدارس و ادارات، دانشگاه‌ها، عده زیادی از روسا و خبرچینان وابسته به رژیم سابق را با لگد اخراج کردند.

جنگهای مستعمراتی چندین ساله، عقان‌شدنی سیاسی، تلفات زیاد ارتش در جنگ با جنبش‌های آزادی‌بخش، عدم رضایت شدید سرمایه‌داران از جنگها و تجاوزات بی‌حاصل، عقب‌ماندگی قرون وسطائی، اینها همه در ایجاد کودتای نظامی و رویدادهای اخیر برتقال نقش تعیین کننده داشته است. اما هنوز تا پیروزی کامل خلق برتقال بر دشمنان خویش راه شوازی بر جای مانده است. راهی که جز با انقلاب مسلح تسویدهای گسوده نخواهد شد.

نخستین عکس‌العمل رهبران جنبش‌های آزادی‌بخش آنکولا، موزامبیک و کینه بیستاد در برابر کودتای نظامی این بود که خواستار استقلال کامل و فوری خلق‌های خود شدند و اعلام داشتند که چنانچه رژیم جدید از دادن استقلال به آنها طفره رود، جنگ با شدت بیشتری ادامه خواهد یافت. "یکانراه - حل شناسائی حق استقلال برای خلق موزامبیک است" و "ما (خلق آنکولا) از ۱۹۷۲ به صورت مستمره زندگی میکنیم دیگر پس است. ما خواستار استقلال کامل خود هستیم". "با اراده، ترسناک ناپدید برای نیل به استقلال کامل آنکولا". چنین است اراده خلق‌های آنکولا و موزامبیک. امیلکار کابرال رهبر فقید کینه بیستاد در سپتامبر ۱۹۷۲ اعلام داشت: "ما فیهب هیچک از مانورهای امپریالیسم را نخواهیم خورد و هرگز تسلیم نخواهیم شد. هیچ جنایت و فیریکاری نمیتوانسد مانع پیشرفت‌های بی‌وقفه خلق‌های ما بسوی آزادی و استقلال گردد".

اراده این خلق‌های دروندر آفریقا اینست که با استقلال کامل نائل آیند و تا نیل به استقلال و آزادی سلاح خود را از دست نخواهند گذاشت. خلق‌های انقلابی جهان نابهر روزی کامل از آنها پشتیبانی خواهند کرد.

جنگ... بقیه‌ازصفحه) آنها با محاصره اقتصادی مردم ظفار در رتنگائی آذوقه و آب قرار داده‌اند. خلق ظفار در شرایط بسیار دشواری میزند. چه ننگین است شاه ایران که برای "ثبات و امنیت" منطقه خلیج و تامین نفت برای نفت‌خواران خون‌خواری را که بخاطر آزادی و استقلال می‌جنگد فرومیبرد. در نظر شاه "گاه" بزرگه خلق ظفار درست در همین است که برتقایوس‌ها و حاکمان بیگانه او را به گردن نمیگیرند. نمیخواهد "ثبات و امنیت" ایران به کشور عمان و منطقه خلیج فارس بسط یابد.

جنگ ظفار، جنگی عادلانه است، جنگ خلقی است که میخواهد بیخ اسارت را از گردن خویش بردارد و همخلق‌های انقلابی از آن پشتیبانی میکنند و با او از لحاظ مادی و معنوی یاری میسرانند.

جنگ شاه علیه خلق ظفار، جنگی تجاوزکارانه است و جنگی است بخاطر اراده اسارت و بردگی خلق. بر چنین جنگی افکار عمومی جهان و خلق‌های انقلابی صحنه نمیکند. آنرا محکوم میکنند، چنانکه جنگ تجاوزکارانه و جنایتکارانه آمریکا را طایفه خلق قهرمان ویت نام محکوم کرده و بسا آن همواره برخاسته‌اند. چنین جنگی محکوم به شکست است و مزوتوشنی همراست به‌تر از جنگ آمریکا در ویت نام در انتظار آن است.

پیروز باد جنگ آزادی‌بخش خلق ظفار!
سرتنگون باد رژیم تجاوزکار شاه!



Muerta Pide!
مرگ بر پیست

خشم و کین مقدس مردم نسبت بیک از مأمورین جنایتکار سازمان امنیت برتقال (پیست) که سرمایه‌داران او را از مرگ حسی نجات دادند.

مارکسیسم آفریننده است
"مارکسیسم - لنینیسم صحیح ترین، علمی ترین و انقلابی ترین حقیقت است که از واقعیت عینی بر میخیزد و در محک واقعیت عینی صحت خود را نشان میدهد. اما بسیاری از کسانی که مارکسیسم - لنینیسم را می‌پوزند به آن شباهت دگی بیجان میکنند و به دین ترتیب از تکامل تئوری جلو میگیرند و بخود و رفقای خود نیز زبان میسرانند."
(مائوتسه دون)

درمان رایگان!
بطوریکه روزنامه "جهان" (۲۵ اسفند ۵۲) می‌نویسد: "برای نام اولین افراد که آمد اجرای برنامه درمان رایگان آغاز شد". اما آنچه در روزنامه "رایگان" تأیید میشود بر این است که ۸۸۰ ریال در روز (درست توجیه کنید) ۸۰۰ ریال در روز در حالی که متوسط حقوق کارگر ۱۰۰ ریال در روز و واقعاً از پنجم کتر است) برای بستری شدن و درمان است. اینک به متن خبر توجه کنید:
"موضوعات مربوط به بیمه پزشکان را که در بیمارستانها گفته شده است کاملاً بی‌بازار بر اساس نمره‌های گسازمان تعیین کردن است. درمان قرار میگردد. نمره‌ها من برای درمان هر فرد در این گونه بیمارستانها مبلغ ۸۸۰ ریال برای هر روز بستری بود. ما در نظر گرفته است". معنی "رایگان" های دیگر و از جمله آموزش "رایگان" را بر همین قیاس میتوانیم حدس بزنیم.

امنیت برای... بقیه‌ازصفحه)
که اگر نشانی از گذشته یافتند به آنها برسانند و آنها را از اندوه و نگرانی بدر آورند. اما چه بسا آنان دیگر روی چکر-گوشنگان خود را نمی‌بینند.
"قاتلی ناشناس کودک ۶ ساله‌ای را گشت و جنازه او را در ضلع غربی شترخوشان انداخت". قاتل معلوم نیست.
"زنی سراسیمه و آشفته حال به پاسگاه ژاندر آرمی رسید. مراجعه کرد و گفت: "بچه‌ام، خدیجه‌ام گمشده و تورا بخدا بین کلک کشید. هفت ساعت بعد این مادر... خدیجه کوچوک خود را بازیافت. خدیجه که نه، جسد غرقه بخونش را... پرونده هنوز مفتوح است.

چه بسا فرزندی که صبح از خانه قصد رفتن به مدرسه بدون مایند و در راه با اتومبیل رانندگانی بی‌ملاحظه که از هر گونه خصائل انسانی بی‌بهره‌اند تصادف میکنند و فقط جسد خونین آنها به پدر و مادر باقی‌مانده باز میگردد.
"نام دو دانش‌آموز نهرانی دیگر بر لیست طغول کوچولوهای کادر راه خانه و مدرسه قربانی شده‌اند افزوده شد و یکی از آنها هنگامی که پرچم پلیس مدرسه را در دست داشت زیر چرخشای یک تریلی سنگین جان سپرد و آن دیگری در صحنه بوس مدرسه‌اش که بر اثر سرعت زیاد و بی‌احتیاطی راننده مواز-گون شد، تشکته بریز زد و مرد."

این حادثه غم‌انگیز صفحات بسیاری از روزنامه‌ها را اشغال کرد ولی نتیجه‌ای بر آن متعجب نگردید.
"وقتی روشنگ ارفع در راه مدرسه، روی خط گسی مشخص ظاهر پیاده جان داد"، "وقتی شهزاد رفیعی قربانی سرعت سرساز اتومبیلی که یک راننده مست و مجنون آنرا می‌رانید شد عکس‌العمل خانوادها چنان بود که مسئولین آموزاوانا عکس‌العمل نشان ندهند". مقررات مفصلی بر روی کاغذ وضع شد اما نتیجه‌گیری روزنامه چنین است: "بیمه‌ها هنوز هیدر را و مدرسه کشته میشوند". "براستی چه وقت به این مرگ‌های دردناک خانه داده خواهد شد؟"

تااضی مردم به این نوع قربانی‌ها محدود نمیشود. مگر چند همیش نبود که در تیریز دستبانی بر سر دانش‌آموزان آن فروریخت و عده‌ای از آنها را قربانی گرفت؟ "دو کودک قربانی خانهای مست شدند" "خطرراهالی دروازه‌شار را تهدید میکند" "عهدیه ۲ ساله و محدود رضا ۴ ساله... در اطای طایفه بالای خانه شماره ۲۷ گرم بازی بودند که ساختمان درهم کوبیده شد و بچه‌ها را در کام فروبرد" "در روز قبل نیز دو خانه کمی بالاتر از محل حادثه در سروز درهم کوبیده شد و خوشبختانه قربانی نگرفت".
این شمارش را سخوان همچنان ادامه داد: "سپاه"

قربانیان عدم امنیت در ایران پایانی ندارند.
مردم صیبن ما در قبال بیماری، مواد غورانی، دوا و دارو و سمیل، سوانح گوناگون هیچگونه امنیتی احساس نمیکند. از لحاظ سیاسی و اجتماعی وضع از این هم بدتر است. پلیس و ژاندر آرم میتوانند هرکس را که مظنون تشخیص دادند دستگیر کنند و در صورت مقاومت او را به گلوله ببندند. مأمورین سازمان امنیت شب هنگام در خانه‌های مردم میزنند، آرایش خانه را برهم میزنند و افراد را فقط بخاطر ایجاد ارباب بسا خود می‌برند و آنها را آزار و شکنجه میدهند.

این ناامنی‌ها و هزاران مشکلات دیگر که این دستگاه هر روز و هر ساعت، هر دقیقه برای مردم می‌آفریند، مردم را بستوه آورده است. وضع کنونی همین ما حاکی از ناراضی‌تسی شده مردم از رژیم شاه است، حاکی از اینست که آتش در زیر خاکستر نهان است، آتشی که هر لحظه ممکن است گریزد و شعله‌های سوزان آن "ثبات و امنیت" شمارا بسوزاند.

عنوان مکاتبات
X GIOVANNA GRONDA
24030 VILLA D' ADDA/ITALY
حساب بانکی
X GIOVANNA GRONDA
CONTO 17549/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO/ITALY

پیروز باد جنگ توده‌ای خلق گامبوج

جنگ تجار و کارخانه شاه

خلق ظفار دیری است حصانه علیه نظام بردگی قرون - وسطائی و اسارت ملی بیخاسته است و اسلحه بدست با قهرمانی میزند . هیچ زانم اری نه منطقی و نه بین المللی ، تاریکست عزم استوار او را درهم شکند ، هیچ نیرویی را توانائی آن نیست که وی را به تن در این بهمنظام بوسید سلطان تاپوس بازگرداند . سالهاست که خلق ظفار علیه دشمنائی بحرانب توی تیر با سازوبرگی بهتر می جنگد ، یکی در سال است شاه و ارتش ایران نیز به صفوف دشمنان او افزوده شده است ؟ اما آنکه سرانجام از این جنگ پیروز بیرون خواهد آمد خلق ظفار است .

شاه ایران خود را در ماجرائی درگیر کرده است که جز شکست و ناگامی فرجامی نمیتواند داشته باشد . او میدانند که چگونه خلق قهرمان بیت نام نیروی عظیمی مانند نیروی آمریکا را بزانو در آورد ، او می بیند چگونه جنگ مستعمراتی کسانها را است در هوزامیک ، آنکولا و کینه بیساتو جریان دارد دولت فاشیستی پرتقال را به ورشکستگی و نابودی کشانید . او آرزو دارد را بازهم میآزاید . آیا تصور میکند سرنوشته بهتری نصیب او خواهد شد ؟

در جهادی که میان حق و باطل ، میان نو و کهنه ، میان نیروی شرقی و نیروی ارتجاعی در گرفته است ، آنچه پیروز است حق است ، نو است و نیروی شرقی است . این فاشیون تکامل تاریخ است و سراسر جریان تکامل جامعه بشرفه صحت آن گواهی میدهد . تلاش نیروهای ارتجاعی برای جلوگیری از تکامل تاریخ و دست و پا زدن مذبحی است که لحظات واپسین زندگی خود را میگذراند .

شاه و طبواعت مزبور و نیروی ادعا کردند که ارتش ایران جاده استراتژیکی مستط به سلاطین کرده و " اختراعی کسب کرده است " ؛ " منابع عثمایی میگویند سرزمین عمان اینکه از وجود شورشیان پاک شده و بنایابی چیرکها که رقم آنان اندک است حملات خود را از مناطقی در داخل خاک یمن جنوبی و همپز ظفار بحمل میاورند " . چه دروغهای بزرگی ! اگر گفته شاه و " منابع عثمانی " صحیح است دیگر چه حاجت بود که سلطان عمان برای درخواست کمک بیشتر رنج سفر به تهران را بر خود هموار سازد و دیگر چه حاجت است که " سلطان تاپوس در جلب کمکهای مادی و معنوی بقیه کشورهای خلیج فارس" کوشش کند . (اطلاعات ۱۱ اسفند ۵۲)

شاهد زنده این دروغ شهادت یکی از مبارزان ظفار است : " چهار ماه از هجوم سپاهیان شاه به عمان میگذرد و آنها موفق نشده اند " جاده سرخ " راه جاده استراتژیکی" است و سلاطین با تخترا به مسقط مربوط میکند در دست خود بگیرند ، برعکس " نیروهای آزاد پیشرو پایگاههای سپاهیان ایران را در محاصره گرفته اند ، تقریباً در همجا اینکار در دست انقلابیون است . سکن است متجاوزان از لحاظ اسلحه برتری داشته باشند ، اما آنها در برابر مبارزان انقلابی که عقاید خلقی را ریشه گرفته است ناتوانند " . سپس به افتاء این دروغ دیگر می پردازد که انقلابیون ظفار حملات خود را از داخل خاک یمن جنوبی بحمل میاورند : " عملیات مبارزان ما از جمهوری تودای یمن نیست ، از مناطق آزاد شده است . این واقعیت را هیچکس نمیتواند انکار کند . این ماهستیم که درباره مبارزه خود تصمیم میگیریم و نه دیگران " .

اکنون ارتش های انگلستان ، ایران ، عمان و اردن با تانک و توپ و هواپیما و ناو جنگی برای سرکوب خلق ظفار برای سرکوب بقایای چیرکها که رقم آنان اندک است " دست یغی است یکدیگر داده و آهن و آتش بر سر اهالی منطقه فرو میزنند ، زنان و کودکان بی پناه را می کشند ؟ بقیده صفحه ۳

زیب و زیور انسان بلشویک غرور و خود پسندی نیست ، تواضع و فروتنی است " استالین

در پیرامون کودتای نظامی پرتقال

از دیگری از دست خواهیم داد " . آیا میتوان روشنتر از این منظور خویش را بیان داشت ؟ در حقیقت روزروازی " لیبرال " پرتقال که از مدتها قبل به شکست حتمی خود در جبهه های نظامی پی برده و وضعا در تا مین هزینه های هنگفت و روز افزون مخارج جنگهای تجار و کارخانه کشور خویش با مشکلات فراوانی مواجه گردیده بود در جستجوی یک راه حل سیاسی با وی کار آوردن اسپینولا و بخاطر حفظ منافع گلی خود به برخی گذشت های کوچک و جزئی تن داد . بمبارت ساده تر هدف نهائی سرمایه داران پرتقالی جستجوی طریقه جدیدی است که غارت مستعمرات آفریقائی راهمچنان امکان پذیر گرداند .

خلق پرتقال با استفاده از تشدید تضاد در صفوف طبقات حاکمه این کشور در کودتای نظامی ۲۵ آوریل تلویز یافت همچون سیلابی خشکسین بکوجه و خیابان ریخت ، کینه و نفرت بی پایان خود را علیه سالارزاد و جانشین او کسا تشانو بنمایش در آورد . سناریوی کودتای نظامی توسط قشری از روزروازی " لیبرال " تنظیم گردیده بود که از یک سو بخدم امکان پیروزی در جنگهای مستعمراتی پی برده و از سوی دیگر فریباندگی کشور خویش را نسبت به دیگر کشورهای اروپائی ناشی از هزینه های سنگین نظامی و فساد و پوسیدگی رژیم میدانست ، اما خلق مستعمرات پرتقال که خلقی که مدت بیش از چهل سال طعم کترین آزادی و دموکراسی را نخشیده بود ، خلقی که بسا ندان هزاران کشته و سوریج ، با پرداخت مالیاتهای گزاف و باجهایی کوناگون تخای بار جنگهای بیخصل مستعمراتی را بر دوش ناتوان خود حسن میکرد با استفاده از فرصت با شعارها انقلابی خویش با میدان نهاد . روز اول ماه مه در لیسبون بیش از یک میلیون نفر یعنی تمام جمعیت پایتخت به تظاهرات خیابانی پرداخت . قطع فوری جنگهای مستعمراتی و آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی ، آزادی مطبوعات ، احزاب و سندیکاها را خواستار گردید .

در آن روز یکی از جالب ترین ورزشهای دسته جمعی نیز توسط توده های خلق بحرله عمل درآمد ، ورزش جدید و شکار ماهورین پیسید (سازمان " امنیت " دولت سابق پرتقال) نام گرفت . " اگر یکی از آنها را یافتید همسایه ها شکر کنید " به این ترتیب همه محض اینکه مردم یکی از ماهورین پیسید را می یافتند دسته جمعی سر در پی او می نهادند و او را دستگیر میکردند تا به بیش از هشتصد نفر از بقیده صفحه ۳

رژیم فاشیستی پرتقال در سال ۱۹۶۶ در نتیجه بحران های عمیق اقتصادی و اجتماعی و بنشانه " یکانه وسیله " سوکوبا مبارزات کارگران و دهقانان کمدران تاریخ به اوج خود رسیده بود بدست سرمایه داران بزرگی و صاحبان اراضی وسیع مستقر گردید . تئوداها و استثمارگران پرتقالی که از امتصا با ت بی در بی کارگران و شورشهای متوالی دهقانان جانشینان به لب رسیده بود رژیم فاشیستی سالارزاد را بکلی طردیدند . تسای " نظم و امنیت " را برقرار سازد و سودهای کلان آنان را از " دستبرد " کارگران و دهقانان در امان بدارد : سالارزاد ۴۳ سال تمام در دست بنشانه سگ باوفا وظیفه " پاسانی " را از املاک و کارخانه های اروپایان خویش بنحو احسن به انجام رسا " کتیه " آزادیهای فردی و اجتماعی را از میان برداشت و شدیده ترین سانسورها را نسبت به جزایر و طبواعت برقرار کرد ، سندیکاها و اوقتی کارگران را ممنوع ساخت و بخصوص یکی از جنایتکارترین دستگاههای پلیسی را بنام " پید " جهت کشف و درهم شکستن سازمان های کارگری و کمونیستی پایه گذاری کرد اما وظیفه او تنها به سرکوب خلق پرتقال خاتمه نیافت ، برای درهم شکستن جنبش های آزاد پیشرو در مستعمرات آفریقائی ، پرتقال همسالده دهها هزار جوان پرتقالی را از خانه و کاشانه خود دور ساخته بمسده انبهای جنگ آفریقا روانه میداشت . رژیم فاشیستی پرتقال سالیان دراز جنبش های آزاد پیشرو را در آنکولا ، موزامبیک و کینه بیساتو و جیشانه سرکوب کرد . این سیاست جنایتکارانه بر روی نقشه های اقتصادی و اجتماعی پرتقال تأثیرات عمیقی باقی گذاشت و پرتقال را در صحنه " جیاسا " منفرد ساخت . تخمیر رژیم در پرتقال نتیجه " شکست سیاست مستعمراتی دار و دسته " حاکمه پرتقال بود .

زئرال اسپینولا ، رهبر کودتای پرتقال در کتابی بنام " پرتقال و آینده " آن " که در فوریه گذشته انتشار یافت اشرف میکند که پیروزی نظامی پرتقال بر جنبش های مسلحانه خلقی و کینه و آنکولا و موزامبیک امکان ناپذیر است و باید از طریق سیاسی بر آنها فاتح گردید و سپس راه عملی را ارائه میدهد که بر پایه ایجاد یک سیستم فدراتیو دولت های بظاهر خود مختار نامیشود اسپینولا که دستپاچین تا آریج به خون زنان و کودکان آفریقا آغشته است ظاهرا راحل معجزه آمیزی یافته که بد و ن از دست دادن یک وجب از سرزمین های مستعمراتی کشور پرتقال را بی سرکشتگی از باطلاق جنگهای مستعمراتی خارج گرداند . او میگوید : " اگر چنین راه حلی را نپذیریم پیش از این تهنه تهنه گشته ، همه سرزمین های آفریقائی خود را یکی پس

شاه و زمام داران رژیم تبلیغات خود برای جلب سرمایه های خارجی بر روی " ثبات و امنیت " ایران بمنوان مساعدترین عامل برای سرمایه گذاری اصرار میورزند . " ثبات و امنیت " به این معنی است که فشار و اختناق با شدتی که در ایران برقرار است همچنان حفظ خواهد شد . شاه با سرکوب مبارزات خلق میخواهد اینکه نامرد و نامرد سازد که محیط اجتماعی ایران آرام است و هیچ صدائی با مدتی علیه غارتگران خارجی و داخلی بلند نخواهد شد . شاه امنیت غارت و استثمار را در برابر میا رزاد خلق در قبال امتصا با ت کارگران تضمین میکند . تمام تلاش و تگاپوی سازمان امنیت و پلیس در اینست که بپیند و کشف کند ، کدام عناصر و نیروها در درگاه پید شنگ بخاطر آزادی و استقلال میوزند تا بلافاصله آنها را به بندد کند و بسوی شکنجهگاه ها و دادگاه های نظامی و جوبه های اعدام گسیل دارد . رژیم ایران بخاطر تا مین غارت و استثمار آمریالیست ها از تبدیل ایران به کورستانی آرام پروائی ندارد . حال تا جمعه با استفاده از تهور و اختناق میتوانست به ایمن هدف خود دست یابد . موضوع دیگری است . روشن است که زور و سرنیزه نتنها به آراش و امنیت نمی انجامد ، بلگتو ده های مردم را هر روز بیشتر و بیشتر علیه رژیم برمی انگیزد . تلاش رژیم

امنیت برای غارتگران - ناامنی برای مردم

نتیجه " معکوس می بخشد مبارزات مردم و نیز و های انقلابی تقویت میشوند و گسترش مییابد . اگر سرمایه داران بزرگ داخلی و خارجی قملابه برکت جنایات رژیم از " امنیت " برخوردارند و در مقابل برای مردم بیخون ما هیچگونه امنیتی وجود ندارد . دولت و نیروهای تأیینی در ایجاد و حفظ امنیت برای مردم وظیفه های برای خود نمی شناسند . شاه " امنیت " خلق فارس و شیخ نشین عمان می اندیشد اما در کشور او ، در پایتخت او امنیت نیست ، بر تعداد جنایات و مرگ و میر بطور شگفت انگیزی افزوده میشود ، هیچکس برای خود و فرزند آن خود احساس امنیت نمیکند ، فرزند خود سالی که صبح بقصد رفتن بدمرسمه خانه را ترک میکند یا در کوجه مشغول بازی است معلوم نیست گرفتار سرنوشت شگ نشود و دوباره بخانه بازگردد . وضع آنچنان وخیم است که اطلاعات هشدار میدهند : " مواظب فرزند اتان باشید ! " وقتی در تابستان گرم در خانه خفته اید و فرزند شما در کوجه بازی میکند خطر در بگذرد ، او است " . به روزنامه های اطلاعات و کیهان نظری بیفکنید ، کتروزی است که به افلاک درباره کشتن فرزند خردسال یا نوجوانی بزخوردید که والدین آنها با عجز و الحاح از همه می طلبند بقیده صفحه ۳

نبرد بخاطر آزادی و استقلال از مبارزه با رونیونیسیم جدا نیست !